

مقایسه دلبستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۶

حجت‌الله رشید کلویر^{۱*}

پرستو حسن زاده^۲

حسن اکبری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف مقایسه دلبستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت انجام شد.

روش: پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بوده و نمونه آن متشکل از ۱۰۰ زن و مرد ساکن در منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس دلبستگی مکان صفاری‌نیا (۱۳۹۰)، مقیاس واکنش روانی هانگ و فادا (۱۹۹۶) و مقیاس بهزیستی اجتماعی کیز (۱۹۹۸) بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس یک‌راهه و چندمتغیری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که دلبستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی (ویلاهی) و آپارتمانی شهر رشت تفاوت معنی‌داری دارد ($p < 0/05$). به‌عبارت‌دیگر، ساکنان منازل شخصی در مقایسه با ساکنان منازل آپارتمانی از دلبستگی مکان و بهزیستی اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و نیز واکنش روانی ساکنان منازل آپارتمانی بیشتر از ساکنان منازل شخصی بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان گفت که برای افزایش دلبستگی مکان، بهزیستی اجتماعی و کاهش واکنش روانی ساکنان منازل آپارتمانی، ضروری است، در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی مکان در راستای ایجاد تجارب ادراکی-حسی و پیوندهای شناختی، عاطفی و رفتاری مثبت ساکنان بررسی‌های بیشتری صورت گیرد.

کلمات کلیدی: دلبستگی مکان، واکنش روانی، بهزیستی اجتماعی، منازل شخصی، منازل آپارتمانی

۱. استادیار گروه معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: h_rashid@uma.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Comparison of place attachment, psychological reactance, and social well-being in residents of private homes and apartments in Rasht city

Hojjatollah Rashid Kolvir^{1*}

*Parastoo Hassanzadeh*²

*Hassan Akbari*³

Original Article

Abstract

Introduction: The aim of this research was the comparison of place attachment, psychological reactance, and social well-being in residents of private homes and apartments in Rasht city.

Method: The research was kind of causal-comparative and its sample was composed of 100 women and men residents of private homes and apartments in Rasht city that were selected by purposeful sampling method. Research tools included Place Attachment Scale (Saffarinia, 2011), Psychological Reactance Scale (Hong & Faedda, 1996), and Social Well-being Scale (Keyes, 1998). For analyzing data was used of one-way and multivariate variance analysis.

Finding: The results indicated that place attachment, psychological reactance, and social well-being had significant differences ($p < 0.05$) in residents of private homes and apartments in Rasht city. In other words, residents of private homes had more place attachment and social well-being than apartment residents and apartment residents had more psychological reactance than residents of private homes.

Conclusion: According to the research results, to increase the place attachment and social well-being and reduce the negative psychological reaction of the apartment residents, it is necessary to plan and design the place in such a manner to create perceptual-emotional experiences and positive cognitive, emotional, and behavioral connections.

Keywords: place attachment, psychological reactance, social well-being, private homes, apartments

1. Assistant Professor, Department of Architecture, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

* Corresponding author: h_rashid@uma.ac.ir

2. PHD student, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Architecture, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

مقدمه

مسکن و محیط‌های مسکونی به‌عنوان انسانی‌ترین موضوع معماری، تأمین‌کننده نیازهای متنوع انسان، و زمینه‌ساز آرامش، سلامت، پرورش و خودشکوفایی انسان‌هاست (عظیمی و دباغ، ۱۳۹۴). از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، حق داشتن مسکن مناسب به‌عنوان یکی از اجزای مهم استانداردهای زندگی مطلوب معرفی شده است که باید کارکردی فراتر از سرپناه داشته و دارای کیفیاتی نظیر آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری، کیفیات زیستی مطلوب (نور، تهویه و ...) و زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و تسهیلات و خدمات شهری باشد (حبیبی و مرزبان، ۱۳۹۷). به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی، الگوی تولید مسکن در کشورهای مختلف به‌تدریج تغییر یافته است. در واقع آپارتمان‌نشینی را می‌توان از مهم‌ترین تحولات فرآیند اسکان بشر در شهرها به‌شمار آورد. در ایران نیز سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان یکی از راه‌های پاسخ به نیاز مسکن، به‌سرعت گسترش یافته است (خاک‌زند و بقالیان، ۱۳۹۴). در این میان، سیاست‌های تولید مسکن انبوه حداقلی، باهدف افزایش تراکم‌های انسانی و کالبدی و با تمرکز بر حداکثر بهره‌وری اقتصادی و فیزیکی، به‌جای افزایش سطح کیفیت زندگی جمعی و توجه به نیازهای ساکنان، و به‌ویژه پیامدهای روان‌شناختی آن، از مسائلی است که زندگی فردی و اجتماعی ساکنین را با مشکلاتی مواجه ساخته است که ازجمله آن‌ها، کاهش سطح دلبستگی به محیط مسکونی، تنزل سطح بهزیستی اجتماعی ساکنان و بروز واکنش‌های روانی نامناسب به محدودیت‌ها و مشکلات پدید آمده می‌باشد.

باتورث^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که محیط‌های ساختمانی بر احساسات، هیجان‌ها و عملکرد انسان تأثیر می‌گذارد. در همین راستا، صفاری‌نیا، توکلی و علی‌پور (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که محیط و چگونگی استفاده از طراحی محیطی بر میزان ادراک اضطراب، فشار خون و ضربان نبض افراد بیمار در حال انتظار مؤثر است. همچنین، تایسون، لامبرت و بیٹی^۲ (۲۰۰۲) معتقدند که از پیامدهای مسکن نامناسب پیدایش افسردگی و اختلالات رفتاری-هیجانی است. از طرفی مسکن مناسب سلامت روانی و سازگاری فردی و اجتماعی ساکنین را در بر دارد (گیفورد^۳، ۲۰۰۷). به‌طور کلی، ویلسون و همکاران^۴ (۱۹۸۲) در نظریه پنجره شکسته معتقدند که محیط تأثیرات قدرتمندی بر سلامت و بهزیستی انسان دارد (به نقل از کوهن و همکاران^۵، ۲۰۰۲). بهزیستی عبارت است از حالت مثبت جسمی، اجتماعی و روانی نه صرفاً به دلیل عدم وجود درد، ناراحتی و ناتوانی. بهزیستی مستلزم آن است که نیازهای انسان ارضا شوند و افراد حس هدفمندی داشته باشند و احساس کنند که قادر به تحقق اهداف فردی مهم هستند و می‌توانند در جامعه

1. Butterworth

2. Tyson, Lambert & Beattie

3. Gifford

4. Wilson et al.

5. Cohen et al.

مشارکت کنند (نگ و فیشر^۱، ۲۰۱۹). بهزیستی از طریق شرایط دربردارنده روابط فردی حمایت کننده، سلامت مطلوب، امنیت مالی و فردی، مشاغل پاداش دهنده و محیط جذاب و سالم ارتقا پیدا می کند (سیریگاتی و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بر اساس نظریه کیز^۳ (۱۹۹۸)، به نقل از هوئی شان و همکاران^۴ (۲۰۰۸) بهزیستی اجتماعی به شرایط و عملکرد فرد در جامعه اشاره دارد. افراد برخوردار از درجات بالای بهزیستی اجتماعی معمولاً قادر به برقراری روابط با سایرین و حفظ آن روابط هستند (صفاری نیا، تدریس تبریزی و علی اکبری دهکردی، ۱۳۹۳). کیز (۱۹۹۸)، به نقل از نریمانی، یوسفی و کاظمی، (۱۳۹۲) بهزیستی اجتماعی را به عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آن ها با دیگران تعریف می کند. از ابتدا نیز بهزیستی اجتماعی به عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آن ها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می شد (موسوی، ۱۳۹۲). چنانچه که در سال ۱۹۴۸، سازمان بهداشت جهانی، بهزیستی اجتماعی را یکی از چند متغیر کلی سلامت فرد تعریف کرد (صبوری، ۱۳۹۱). بر اساس مدل چندوجهی کیز (۱۹۹۸)، به نقل از والیانی کیا، (۱۳۹۴) بهزیستی اجتماعی، شامل پنج جنبه انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی می باشد (زارعین، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) با هدف مقایسه دلبستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی همسران شاغل در شرکت نفت اهواز ساکن در منازل سازمانی و غیرسازمانی نشان داد که دلبستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی افراد ساکن در منازل غیرسازمانی بالاتر از افراد ساکن در منازل سازمانی است. همچنین، صفاری نیا (۱۳۹۰) در مطالعه ای با هدف تأثیر محیط های مسکونی مختلف بر سلامت روان، شادکامی و بهزیستی دختران نوجوان نشان داد که دختران ساکن در آپارتمان های بدون طراحی محیط در همه شاخص ها به جز اختلال در عملکرد اجتماعی از سلامت روان، شادکامی و بهزیستی شخصی کمتری نسبت به ساکنان خانه های ویلایی و آپارتمان های دارای طراحی محیط داخلی برخوردار هستند. یافته های پژوهش رولرو و دپیکولی^۵ (۲۰۱۰) نیز به منظور بررسی تأثیر دلبستگی مکان در دو محدوده فضایی (همسایگی و شهر) بر پنج مؤلفه تندرستی اجتماعی نشان داد که دلبستگی مکان به طور کلی بر تندرستی اجتماعی تأثیر می گذارد، اما تفاوت های اختصاصی و قابل توجهی بین دو محدوده فضایی وجود دارد.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار سازه های محیط (محیط های مسکونی) حس تعلق نسبت به مکان زندگی است. انسان در سراسر تاریخ و در میان تمامی تمدن ها، پیوندهای معنی داری را با مکان برقرار کرده اند. این دلبستگی، می تواند زمینه ساز انتخاب مکان هایی برای سکنی گزیدن،

1. Ng & Fisher
2. Sirigatti, Penzo, Giannetti, Casale & Stefanile
3. Keyes
4. Hoi Shan et al.
5. Rollero & De Piccoli

ساخت بناهای تاریخی عظیم یا حتی به خاک سپردن خویشاوندان باشد (اسکنل و گیفورد^۱، ۲۰۲۰). دلبستگی مکان^۲ به‌عنوان یک بعد از کلیت حس مکان، وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد (استدمن^۳، ۲۰۰۳). این واژه «مبیین احساسات فرد نسبت به یک موقعیت جغرافیایی است که به‌طور حسی فرد را به آن مکان گره می‌زند». در واقع یک تجربه مثبت از مکان و نتیجه اعتقادات و احساسات مثبتی است که فرد در فرآیند تعامل با مکان و معنا بخشیدن به آن خلق می‌کند (رامکیسون، لیام و ویلر^۴، ۲۰۱۳). در فرآیند دلبستگی به مکان است که فضا برای فرد مبدل به مکان می‌شود، چراکه یک گروه یا یک فرد در برقراری ارتباط به مکان، به آن معنا می‌بخشد (مک‌ایون^۵، ۲۰۱۴) و در این فرآیند افراد ارتباط خود با سایرین و مکان را توسعه می‌دهند. دلبستگی مکان عبارت است از پیوندهای مثبت افراد با مکان‌ها که از پیوندهای عاطفی، رفتاری و شناختی میان افراد یا گروه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی - فیزیکی نشأت می‌گیرد. افراد در طول عمر خود بارها دلبستگی‌های عمیقی را با خانه‌ها و همسایگی‌های خود شکل می‌دهند که ثبات، هویت و تجارب مثبت را تسهیل می‌کند (براون، آلتمن و ورنر^۶، ۲۰۱۲). لو و آلتمن^۷ (۱۹۹۲)، دلبستگی به مکان را مبتنی بر ابعادی همچون معنای مکان، هویت مکان، درونی بودن مکان، گونه مکان، ریشه داشتن در مکان، تجسم محیطی، احساس جمعی و این‌همانی با مکان توصیف می‌کنند. شامای^۸ (۱۹۹۱)، دلبستگی مکان را ارتباط عاطفی پیچیده فرد با مکان به گونه‌ای که مکان برای او معنا یافته و محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، توصیف می‌کند. وی سطوح مختلف احساس به مکان را شامل سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان بیان کرده و این حس را در ۷ سطح طبقه‌بندی می‌کند: (۱) بی‌تفاوتی نسبت به مکان، (۲) آگاهی از قرارگیری در یک مکان، (۳) تعلق به مکان، (۴) دلبستگی به مکان، (۵) یکی شدن با اهداف مکان، (۶) حضور در مکان و (۷) فداکاری برای مکان. دانشپور و همکاران (۱۳۸۸)، در تبیین مدل دلبستگی به مکان، نشان دادند که دلبستگی به مکان دارای ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری می‌باشد و این کیفیت بر پایه تعامل پنج عنصر انسان، مکان، مشارکت در فرایند طراحی مکان، نحوه تعامل انسان و مکان و عامل زمان شکل می‌گیرد. پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴)، در بازشناسی مفهوم و اصول و معیارهای دلبستگی مکان، بیان می‌دارد که دلبستگی مکانی به عنوان هسته

1. Scannel & Gifford
2. place attachment
3. Stedman
4. Ramkissoon, Liam & Weiler
5. McEwen
6. Brown, Altman & Werner
7. Low & Altman
8. Shamay

اولیه شکل‌گیری حس مکان، فرایندی احساسی، ادراکی و رفتاری است که در تعامل افراد با فضا با ایجاد دو سطح وابستگی و هویت مکانی شکل می‌گیرد.

لوبکا^۱ (۲۰۰۹)، در بررسی اثرات مقیاس مکان (خانه، محله و شهر) بر دلبستگی مکان در چهار شهر شرق اروپا، نشان داد که در شهرهای با جذابیت زیاد، شاخص واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به مکان‌ها و در شهرهای با جذابیت کم، شاخص‌های حس ایمنی، میزان کنترل و دانش مکانی موثر بر دلبستگی مکان می‌باشند. بهترین متغیر پیش‌بین دلبستگی مکان، پیوندهای همسایگی ناشی از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم طول مدت سکونت، اندازه ساختمان و نوع مسکن می‌باشد. حیدری و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی میزان دلبستگی به مکان نسبت به سه مقیاس خانه، محله و شهر، نشان دادند که احساس دلبستگی افراد نسبت به مقیاس شهر در بالاترین سطح و پس از آن خانه و در نهایت محله قرار دارد. عواملی همچون از بین رفتن مرز محلات، کمرنگ شدن کارکرد اجتماعی محله، فقدان بافت مشخص کالبدی و جابجایی سکونت در محلات مختلف، موجب پایین بودن شدت دلبستگی افراد نسبت به مقیاس محله می‌باشند. سجادزاده و همکاران (۱۳۹۴)، در بررسی دلبستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی، بیان کردند که وجود دلبستگی مکانی یک عامل مهم همانند کیفیت محیطی در ایجاد حس رضایت است. رحیمی و همکاران (۱۳۹۵)، در ارزیابی تأثیر مقیاس مکان (محله و شهر) بر دلبستگی مکان، نشان دادند که میزان شناخت، عاطفه و در کل دلبستگی در مقیاس شهر بیشتر از محله می‌باشد. یافته‌های این تحقیق تأکید بیشتری بر مقیاس محله نسبت به مقیاس شهر با هدف ارتقاء دلبستگی ساکنین به محله مرکزی دارد. بررسی‌ها در میان ابعاد مدل دلبستگی به مکان آشکار کرد که برای هر دو مقیاس محله و شهر، میزان بعد شناختی بیش از میزان بعد عاطفی می‌باشد. صادقی و همکاران (۱۳۹۱)، در بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دلبستگی به مکان در بین ساکنین، نشان دادند که شاخص‌های نوع دسترسی، دید و منظر نسبت به شاخص‌های تسهیلات و امکانات رفاهی، سازماندهی و کیفیت فضاهای داخلی، موجب افزایش بیشتر حس دلبستگی به مکان در بین ساکنین می‌گردد. همچنین در بررسی تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نتایج نشان می‌دهد که حس تعلق کالبدی در خانه‌های سنتی در مقایسه با مجتمع‌های جدید بیشتر است. این حس تعلق در خانه‌های سنتی در ویژگی‌های شکل، اندازه عناصر، بافت و تزئینات و در مجتمع‌های مسکونی جدید در روابط و چیدمان عناصر بیشتر نمود می‌یابد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳). سرمست و متوسلی (۱۳۸۹)، در ارزیابی میزان تعلق به مقیاس‌های مختلف مکانی در شهر تهران نشان دادند که در مناطق جنوب، مرکز و شمال تهران، اولویت حس تعلق نسبت به محله و شهر متفاوت از یکدیگر است. عوامل موثر در ایجاد احساس تعلق افراد نسبت به مقیاس‌های مذکور، مربوط به تصویر ذهنی افراد از مکان‌های مورد نظر و همچنین فعالیت‌ها و رویدادهای جاری در آنها می‌باشد.

همچنین پیشینه مطالعاتی نشان داده است که محیط‌های مسکونی می‌توانند به عنوان سپری در برابر رخدادهای استرس‌زا روی واکنش‌های روانی افراد از جمله عاطفه مثبت و تاب‌آوری، عصبانیت و خشم (ولارد و همکاران^۱، ۲۰۰۷؛ فابر تیلور و کیو^۲، ۲۰۰۹) نقش داشته باشند. واکنش روانی حالت انگیزشی است که در پاسخ به آزادی رفتاری از دست‌رفته یا مورد تهدید قرار گرفته برانگیخته می‌شود و آن را احیا می‌کند (برم^۳، ۱۹۶۶؛ جوناسون و ناولز^۴، ۲۰۰۶). نظریه واکنش روانی معتقد است که هر پیام متقاعدکننده‌ای احتمالاً به عنوان یک تهدید برای آزادی تلقی شده و واکنش روانی را برمی‌انگیزد (شن و دیلارد^۵، ۲۰۱۵). تهدیدها می‌توانند آشکارا یا تلویحی باشند (مثلاً، اشارات ضمنی ظریف). برم و برم (۱۹۸۱)، به نقل از فرزانه، (۱۳۹۶) تهدید آزادی عمل را با عنوان تهدید بیرونی و درونی توصیف می‌کنند. تهدیدهای بیرونی از تصمیماتی ناشی می‌شوند که ما با انتخاب کردن یا نکردن گزینه‌های پیش رو اتخاذ می‌کنیم. نظریه واکنش روانی می‌کوشد توضیحی برای واکنش افراد به تهدیدهای واقعی یا خیالی نسبت به از دست دادن آزادی و اختیار خود بیابد. مفهوم اختیار تحت عنوان «باور فرد به توانایی انجام رفتاری خاص» تعریف شده است (اسمیت و یانگ^۶، ۲۰۱۹). این نظریه از روان‌شناسی اجتماعی سرچشمه گرفته است. در این نظریه مفهوم واکنش به عنوان صفتی است که یک واکنش شخصیتی مستقل از محرک را نشان می‌دهد. همچنین، افراد در چگونگی این واکنش متفاوت عمل می‌کنند. از این دیدگاه صفت، واکنش دربردارنده شمار زیادی از متغیرهای متفاوت همچون خشم، افسردگی، خشونت، شادی، سازگاری و یک مقیاس شخصیتی است (صفاری‌نیا، بیات و نورمحمدی، ۱۳۹۶). کنترل واکنش روانی با تغییرات فیزیولوژی و مصرف انرژی همراه است و این تغییرات کوتاه‌مدت، سلامتی فرد را در بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. کیم، لوین و آلن^۷ (۲۰۱۳) نشان دادند که عدم بروز احساسات اگر با منبع درونی رفتار، اخلاقیات شخصی، انگیزه درونی و خودمختاری همراه باشد می‌تواند مفید و سازنده باشد، اما اگر با کنترل منابع بیرونی همراه باشد با واکنش‌هایی با نشانه‌های منفی جسمی و روانی مانند اضطراب و افسردگی همراه است. پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد که خشم شاخص و عامل قوی‌تری نسبت به شناخت‌های منفی دیگر در واکنش‌پذیری است (ریبز^۸، ۲۰۱۳؛ کیم، لوین و آلن، ۲۰۱۴؛ شن^۹، ۲۰۱۴؛ واراوا و کوئیک^{۱۰}، ۲۰۱۵). واکنش روانی در ابتدا به عنوان یک موقعیت خاص در نظر گرفته می‌شد و اکثر پژوهش‌ها در خصوص واکنش روانی به بررسی واکنش‌های

1. *Velarde et al.*
2. *Faber Taylor & Kuo*
3. *Brehm*
4. *Jonason & Knowles*
5. *Shen & Dillard*
6. *Smith & Yang*
7. *Kim, Levine & Allen*
8. *Rains*
9. *Shen*
10. *Varava & Quick*

موقعیتی نظیر محدودیت‌های انتخاب، انتخاب اجباری و موقعیت‌های نفوذ اجتماعی می‌پردازند (بورگون، آلوارو، گرن‌دپر و وولوداکیس^۱، ۲۰۱۲). فو، پادیلا-واکر و براون^۲ (۲۰۱۸) با هدف مقایسه واکنش روانی و کیفیت زندگی در ساکنان منازل آپارتمانی و شخصی در آمریکا دریافتند که ساکنان منازل شخصی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند. همچنین، واکنش روانی در ساکنان منازل آپارتمانی بالاتر بود. بیات (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی نشان داد که بین سازگاری اجتماعی و سلامت روان نوجوانان ساکن آپارتمان و خانه‌های ویلایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، چرا که محدودیت‌های خاص زندگی آپارتمانی فشار روانی زیادی را ایجاد می‌کند که نوع برخورد و واکنش افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واکنش روانی حالت انگیزشی است که در پاسخ به آزادی رفتاری از دست‌رفته یا مورد تهدید قرار گرفته برانگیخته می‌شود و آن را احیا می‌کند (برم^۳، ۱۹۶۶؛ جوناسون و ناولز^۴، ۲۰۰۶). نظریه واکنش روانی معتقد است که هر پیام متقاعدکننده‌ای احتمالاً به‌عنوان یک تهدید برای آزادی تلقی شده و واکنش روانی را برمی‌انگیزد (شن و دیلارد^۵، ۲۰۱۵). تهدیدها می‌توانند آشکارا یا تلویحی باشند (مثلاً، اشارات ضمنی ظریف). برم و برم (۱۹۸۱)، به نقل از فرزانه، (۱۳۹۶) تهدید آزادی عمل را با عنوان تهدید بیرونی و درونی توصیف می‌کنند. تهدیدهای بیرونی از تصمیماتی ناشی می‌شوند که ما با انتخاب کردن یا نکردن گزینه‌های پیش رو اتخاذ می‌کنیم. نظریه واکنش روانی می‌گوید توضیحی برای واکنش افراد به تهدیدهای واقعی یا خیالی نسبت به از دست دادن آزادی و اختیار خود بیابد. مفهوم اختیار تحت عنوان «باور فرد به توانایی انجام رفتاری خاص» تعریف شده است (باقری، ۱۳۹۶). واکنش روانی در ابتدا به‌عنوان یک موقعیت خاص در نظر گرفته می‌شد و اکثر پژوهش‌ها در خصوص واکنش روانی به بررسی واکنش‌های موقعیتی نظیر محدودیت‌های انتخاب، انتخاب اجباری و موقعیت‌های نفوذ اجتماعی می‌پردازند (بورگون، آلوارو، گرن‌دپر و وولوداکیس^۶، ۲۰۱۲). فو، پادیلا-واکر و براون^۷ (۲۰۱۸) با هدف مقایسه واکنش روانی و کیفیت زندگی در ساکنان منازل آپارتمانی و شخصی در آمریکا دریافتند که ساکنان منازل شخصی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند. همچنین، واکنش روانی در ساکنان منازل آپارتمانی بالاتر بود.

بهزیستی عبارت است از حالت مثبت جسمی، اجتماعی و روانی نه صرفاً به دلیل عدم وجود درد، ناراحتی و ناتوانی. بهزیستی مستلزم آن است که نیازهای انسان ارضا شوند و افراد حس هدفمندی داشته باشند و احساس کنند که قادر به تحقق اهداف فردی مهم هستند و می‌توانند در جامعه مشارکت کنند. بهزیستی از طریق شرایط دربردارنده روابط فردی حمایت‌کننده، سلامت

1. Burgoon, Alvaro, Grandpre & Voulodakis

2. Fu, Padilla-Walker & Brown

3. Brehm

4. Jonason & Knowles

5. Shen & Dillard

6. Burgoon, Alvaro, Grandpre & Voulodakis

7. Fu, Padilla-Walker & Brown

مطلوب، امنیت مالی و فردی، مشاغل پاداش‌دهنده و محیط جذاب و سالم ارتقا پیدا می‌کند (سیریگاتی و همکاران^۱، ۲۰۱۶). بر اساس نظریه کیز^۲ (۱۹۹۸)، به نقل از هوئی‌شان و همکاران^۳، (۲۰۰۸) بهزیستی اجتماعی به شرایط و عملکرد فرد در جامعه اشاره دارد. افراد برخوردار از درجات بالای بهزیستی اجتماعی معمولاً قادر به برقراری روابط با سایرین و حفظ آن روابط هستند (صفاری‌نیا، تدریس تبریزی و علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۳). کیز (۱۹۹۸)، به نقل از نریمانی، یوسفی و کاظمی (۱۳۹۲) بهزیستی اجتماعی را به‌عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آن‌ها با دیگران تعریف می‌کند. از ابتدا نیز بهزیستی اجتماعی به‌عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آن‌ها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد (موسوی، ۱۳۹۲). چنانچه که در سال ۱۹۴۸، سازمان بهداشت جهانی، بهزیستی اجتماعی را یکی از چند متغیر کلی سلامت فرد تعریف کرد (صبوری، ۱۳۹۱). بر اساس مدل چندوجهی کیز (۱۹۹۸)، به نقل از والیانی‌کیا، (۱۳۹۴) بهزیستی اجتماعی، شامل پنج جنبه انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی می‌باشد (زارعین، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) با هدف مقایسه دل بستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی همسران شاغل در شرکت نفت اهواز ساکن در منازل سازمانی و غیرسازمانی نشان داد که دل بستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی افراد ساکن در منازل غیرسازمانی بالاتر از افراد ساکن در منازل سازمانی است. همچنین، یافته‌های پژوهش رولو و دیکولی^۴ (۲۰۱۰) به‌منظور بررسی تأثیر دل بستگی مکان در دو محدوده فضایی (همسایگی و شهر) بر پنج مؤلفه تندرستی اجتماعی نشان داد که دل بستگی مکان به‌طور کلی بر تندرستی اجتماعی تأثیر می‌گذارد، اما تفاوت‌های اختصاصی و قابل توجهی بین دو محدوده فضایی وجود دارد.

با توجه به رشد روزافزون جمعیت شهر رشت، گسترش ساخت‌وسازهای انبوه، مجتمع‌های بلندمرتبه و تغییر سبک زندگی شهروندان، هدف این پژوهش بررسی تأثیر الگوی سکونت (منازل شخصی و آپارتمانی) بر دل بستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی ساکنان در شهر رشت می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای و نمونه آن شامل ۱۰۰ زن و مرد ساکن در منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند از منطقه یک شهر (منطقه گل‌سار) انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس نظر کالینز و اونگبازی^۵ (۲۰۰۷)، به نقل از دلاور و کوشکی،

1. Sirigatti, Penzo, Giannetti, Casale & Stefanile

2. Keyes

3. Hoi Shan et al.

4. Rollero & De Piccoli

5. Collins & Onegbasi

۱۳۹۲) انتخاب شد، زیرا بر اساس نظر آن‌ها در فرضیه‌های دوسویه (بدون جهت)، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر است و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر دو گروه با یکدیگر مقایسه می‌شوند، ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر ساکن منازل شخصی و ۵۰ نفر ساکن منازل آپارتمانی) حجم نمونه مناسبی است. میانگین سن آزمودنی‌ها ۳۳/۷۷ سال و دامنه سنی آنان ۶۹-۲۰ سال بود. در مجموع، اکثر نمونه پژوهشی را زنان (۵۲ نفر) و افراد متأهل (۷۶ نفر) به خود اختصاص می‌دادند. همچنین، طول مدت سکونت آزمودنی‌ها در منازل شخصی و آپارتمانی ۵ سال بود.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس دلبستگی مکان صفاری نیا (۱۳۹۰): این مقیاس بر اساس نظریه لو و آلتمن^۱ (۱۹۹۲) و مطالعات تجربی جورجسنن و استدمن^۲ (۲۰۰۱) و کیل، موون و تارانت^۳ (۲۰۰۴) که دیدگاه نگرشی نسبت به دلبستگی مکان دارند، طراحی شده و مشتمل بر ۲۲ گویه و چهار خرده‌مقیاس هویت مکان (گویه‌های ۱، ۲، ۱۱، ۱۶) دلبستگی عاطفی (گویه‌های ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲)، وابستگی مکان (گویه‌های ۸، ۹، ۱۲، ۱۵) و پیوندهای اجتماعی (گویه‌های ۸، ۹، ۱۲، ۱۵) است. نمره‌گذاری گویه‌ها روی مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) انجام می‌شود. بنابراین، حداقل و حداکثر نمره‌ای که به دست می‌آید به ترتیب برابر با ۲۲ و ۱۱۰ خواهد بود. در پژوهش صفاری نیا (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی برابر با ۰/۹۲ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ به دست آمد.

ب) مقیاس واکنش روانی هانگ و فادا^۴ (۱۹۹۶): این مقیاس مشتمل بر ۱۴ گویه و چهار خرده‌مقیاس واکنش در برابر تسلیم (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۱۴)، مقاومت در برابر نفوذ دیگران (گویه‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)، واکنش در برابر نصیحت و توصیه (گویه‌های ۵، ۹) و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب (گویه‌های ۴، ۶، ۷، ۸) است. گویه‌ها در طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین حداقل و حداکثر نمره برابر با ۱۴ و ۷۰ خواهد بود (زمانی، ۱۳۹۵). هانگ و فادا (۱۹۹۶) با اجرای این مقیاس روی ۱۴۲۵ دانشجوی دانشگاه و ۱۶۶۰ آزمودنی غیر دانشجو در استرالیا، پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه ۱۴ گویه‌ای و ۱۱ گویه‌ای به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۷۷ گزارش کردند. براون، فینی و فرانس^۵ (۲۰۱۰) با اجرای نسخه ۱۴ گویه‌ای مقیاس بر روی ۱۲۸۶ دانشجوی سال اول در آمریکا و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی دریافتند که مدل چهار عاملی از برازش خوبی برخوردار است و همبستگی عاملی از ۰/۴۸ تا ۰/۸۱ متغیر بود. نتایج تحلیل عاملی

1. Low & Altman
2. Jorgensen & Stedman
3. Kyle, Mowen & Tarrant
4. Hong & Faedda Psychological Reactance Scale
5. Brown, Finney & France

تأییدی در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) جهت هنجاریابی این پرسشنامه در ۵۰۰ زن و مرد شهر تهران موید برازش خوب مدل در ایران و وجود ساختار چهار عاملی بود. همچنین، صفاری‌نیا (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۱ محاسبه کرد.

ج) مقیاس بهزیستی اجتماعی کیز^۱ (۱۹۹۸): این مقیاس مشتمل بر ۳۳ گویه و پنج خرده‌مقیاس همبستگی اجتماعی (گویه‌های ۷، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۲۹)، انسجام اجتماعی (گویه‌های ۱، ۲، ۹، ۱۰، ۱۲)، مشارکت اجتماعی (گویه‌های ۳، ۴، ۱۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۳)، شکوفایی اجتماعی (گویه‌های ۵، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۵) و پذیرش اجتماعی (گویه‌های ۶، ۸، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۳۱) می‌باشد. نمره‌گذاری گویه‌ها روی مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای «کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵» انجام می‌شود. بنابراین، حداقل و حداکثر نمره کسب‌شده به ترتیب برابر با ۳۳ و ۱۶۵ خواهد بود. لازم به ذکر است که گویه‌های ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۳ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (فرزانه، ۱۳۹۶).

کیز (۱۹۹۸) طی دو مطالعه بر روی دو نمونه ۳۷۳ و ۲۸۸۷ نفری در آمریکا، جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد که میزان ضرایب آلفای کرونباخ را در مطالعه اول برای ابعاد انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و پذیرش اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۵۷، ۰/۶۹، ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ و در مطالعه دوم به ترتیب برابر با ۰/۶۴، ۰/۶۴، ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۴۱ به دست آورد. حیدری و غنایی (۱۳۸۷) در ایران پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ محاسبه کردند. همچنین، صفاری‌نیا، تدریس تبریزی و علی‌اکبری دهکردی (۱۳۹۳) پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آوردند.

یافته‌ها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی دل‌بستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی و ابعاد آن‌ها در آزمودنی‌های پژوهش

| متغیر | گروه‌ها | میانگین | انحراف استاندارد |
|------------------------------|------------------------|---------|------------------|
| هویت مکان | ساکنان منازل شخصی | ۱۶/۴۸ | ۲/۳۸ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۵/۶۲ | ۲/۴۹ |
| دل‌بستگی عاطفی | ساکنان منازل شخصی | ۳۶/۵۷ | ۶/۵۹ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۳۳/۲۸ | ۶/۵۹ |
| وابستگی مکان | ساکنان منازل شخصی | ۱۴/۹۷ | ۳/۲۹ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۲/۹۱ | ۲/۴۲ |
| پیوندهای اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۱۴/۱۱ | ۳/۳۱ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۳/۲۲ | ۳/۰۱ |
| دل‌بستگی مکان | ساکنان منازل شخصی | ۸۲/۱۴ | ۱۳/۴۳ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۷۵/۰۵ | ۱۲/۴۲ |
| واکنش در برابر تسلیم | ساکنان منازل شخصی | ۱۲/۹۷ | ۲/۵۷ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۳/۰۲ | ۲/۳۸ |
| مقاومت در برابر نفوذ دیگران | ساکنان منازل شخصی | ۱۳/۲۲ | ۲/۸۹ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۴/۳۱ | ۲/۷۱ |
| واکنش در برابر نصیحت و توصیه | ساکنان منازل شخصی | ۶۰/۰۸ | ۱/۵۷ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۷۱/۱۷ | ۱/۹۳ |
| پاسخ هیجانی در برابر محدودیت | ساکنان منازل شخصی | ۱۴/۶ | ۲/۳۹ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۵/۷۷ | ۲/۸۸ |
| انتخاب | ساکنان منازل شخصی | ۴۶/۸۸ | ۷/۴۵ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۴۸/۲۸ | ۷/۴۲ |
| واکنش روانی | ساکنان منازل شخصی | ۱۸/۰۸ | ۳/۷۹ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۷/۰۵ | ۴/۴۱ |
| همبستگی اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۱۵/۶۲ | ۳/۸۲ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۴/۰۵ | ۳/۸۷ |
| انسجام اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۲۳/۲۲ | ۴/۰۸ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۲۱/۶ | ۴/۵ |
| پذیرش اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۱۶/۱۷ | ۲/۸۱ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۱۵/۱۴ | ۳/۲۶ |
| شکوفایی اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۲۷/۶ | ۳/۷۱ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۲۶/۵۴ | ۴/۰۳ |
| مشارکت اجتماعی | ساکنان منازل شخصی | ۹۸/۰۸ | ۱۰/۲۲ |
| | ساکنان منازل آپارتمانی | ۹۷/۰۲ | ۱۴/۹۳ |

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین دل‌بستگی مکان و بهزیستی اجتماعی و ابعاد آن‌ها در ساکنان منازل شخصی بالاتر است. همچنین، میانگین واکنش روانی و ابعاد آن در ساکنان منازل آپارتمانی بالاتر است.

جهت آزمون فرضیه‌ها که شامل مقایسه دل‌بستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت است، از روش تحلیل واریانس یک‌راهه و

چندمتغیری استفاده شد. قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی تحلیل واریانس را برآورد می‌کنند، به بررسی آن‌ها پرداخته شد. بدین منظور، دو مفروضه اصلی تحلیل واریانس شامل همگنی واریانس‌ها^۱ از طریق آزمون لوین^۲ و نرمال بودن توزیع از طریق آزمون کالموگروف-اسمیرنف^۳ مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج نشان داد که پیش‌فرض‌های این روش آماری رعایت شده است. جهت بررسی تفاوت دلبستگی مکان در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس یکراهه (آنوا)^۴ استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یکراهه در متن آنوا بر دلبستگی مکان در گروه‌های پژوهش

| متغیرها | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
|---------------------|---------------|------------|-----------------|------|---------------|----------|
| گروه (دلبستگی مکان) | ۴۲۲۴۵/۲ | ۱ | ۴۲۲۴۵/۲ | ۵/۲۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۷ |
| خطا | ۱۱۳۸۸/۱۷ | ۶۸ | - | - | - | - |
| کل | ۴۴۴۷۳۴ | ۷۰ | - | - | - | - |

بر اساس نتایج جدول ۲، نمرات متغیر دلبستگی مکان ($F=۵/۲۴$ و $p=۰/۰۰۰۱$) می‌باشد و نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش در متغیر دلبستگی مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به عبارتی دلبستگی مکان در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل شخصی از دلبستگی مکان بالاتری برخوردارند. جهت بررسی تفاوت ابعاد متغیر دلبستگی مکان در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)^۵ استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بر ابعاد دلبستگی مکان در گروه‌های پژوهش

| نام آزمون | مقدار | F | درجه آزادی فرضیه | درجه آزادی خطا | سطح معنی‌داری |
|-------------------|--------|---------|------------------|----------------|---------------|
| اثر بیلابی | ۰/۹۸۱ | ۸۲۲/۶۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| لامبدای ویلکز | ۰/۰۱۹ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| اثر هوتلینگ | ۵۰/۶۲۸ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| بزرگترین ریشه روی | ۵۰/۶۲۸ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |

1. homogeneity of variance
2. Leven's test of equality variances
3. Kolmogorov-Smirnov
4. ANOVA
5. MANOVA

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش از نظر ابعاد دل‌بستگی مکان در سطح $p < 0.05$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حداقل در یکی از ابعاد دل‌بستگی مکان بین گروه‌های پژوهش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای تشخیص اینکه در کدام یک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانووا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانووا بر ابعاد دل‌بستگی مکان در گروه‌های

| پژوهش | | | | | | |
|------------------|---------------|------------|-----------------|------|---------------|----------|
| متغیرها | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
| هویت مکان | ۱۸۰۴۸/۲۲ | ۱ | ۱۸۰۴۸/۲۲ | ۲/۱۵ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۷ |
| دل‌بستگی عاطفی | ۸۵۴۰۰/۳۵ | ۱ | ۸۵۴۰۰/۳۵ | ۴/۳۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| وابستگی مکان | ۱۳۶۰۸/۲۲ | ۱ | ۱۳۶۰۸/۲۲ | ۸/۸۳ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| پیوندهای اجتماعی | ۱۳۰۸۳/۵۵ | ۱ | ۱۳۰۸۳/۵۵ | ۱/۳۶ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۵ |

بر اساس نتایج جدول ۴، بین گروه‌های پژوهش در چهار بُعد دل‌بستگی مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p \leq 0.05$). به عبارتی ابعاد دل‌بستگی مکان در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل شخصی از دل‌بستگی مکان بالاتری برخوردارند و در ابعاد هویت مکان، دل‌بستگی عاطفی، وابستگی مکان و پیوندهای اجتماعی هم به همین شکل است.

جهت بررسی تفاوت واکنش روانی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا) استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در متن آنوا بر واکنش روانی در گروه‌های پژوهش

| متغیرها | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
|--------------------|---------------|------------|-----------------|------|---------------|----------|
| گروه (واکنش روانی) | ۱۵۸۵۰/۷۰۱ | ۱ | ۱۵۸۵۰/۷۰۱ | ۰/۶۲ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۷ |
| خطا | ۳۷۶۴/۶۸ | ۶۸ | - | - | - | - |
| کل | ۵۰۳۴۲/۲۲ | ۷۰ | - | - | - | - |

بر اساس نتایج جدول ۵، نمرات متغیر واکنش روانی ($F = 0.62$ و $p = 0.0001$) می‌باشد و نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش در متغیر واکنش روانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به عبارتی واکنش روانی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل آپارتمانی از واکنش روانی بالاتری برخوردارند.

جهت بررسی تفاوت ابعاد متغیر واکنش روانی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا) استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جداول ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بر ابعاد واکنش روانی در گروه‌های پژوهش

| نام آزمون | مقدار | F | درجه آزادی فرضیه | درجه آزادی خطا | سطح معنی‌داری |
|-------------------|-------|--------|---------------------|-------------------|---------------|
| اثر بینایی | ۰/۹۷۸ | ۷۱۳/۵۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| لامبدای ویلکز | ۰/۰۲۲ | ۷۱۳/۵۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| اثر هوتلینگ | ۴۳/۹۱ | ۷۱۳/۵۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| بزرگترین ریشه روی | ۴۳/۹۱ | ۷۱۳/۵۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |

مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش از نظر ابعاد واکنش روانی در سطح $p < 0.05$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حداقل در یکی از ابعاد واکنش روانی بین گروه‌های پژوهش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای تشخیص اینکه در کدام یک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانووا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانووا بر ابعاد واکنش روانی در گروه‌های پژوهش

| متغیرها | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
|-------------------------------------|------------------|---------------|--------------------|------|------------------|-------------|
| واکنش در برابر تسلیم | ۱۱۸۳۰ | ۱ | ۱۱۸۳۰ | ۰/۰۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| مقاومت در برابر نفوذ دیگران | ۱۳۳۷۵/۶۵ | ۱ | ۱۳۳۷۵/۶۵ | ۲/۶۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| واکنش در برابر نصیحت و توصیه | ۲۶۲۹/۱۵ | ۱ | ۲۶۲۹/۱۵ | ۰/۰۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۲ |
| پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب | ۱۵۰۹۶/۹۱ | ۱ | ۱۵۰۹۶/۹۱ | ۰/۰۷ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |

بر اساس نتایج جدول ۷، بین گروه‌های پژوهش در چهار بُعد واکنش روانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p \leq 0.05$). به عبارتی ابعاد واکنش روانی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل آپارتمانی از واکنش روانی بالاتری برخوردارند و در ابعاد واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب هم به همین شکل است. جهت بررسی تفاوت بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا) استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در متن آنوا بر بهزیستی اجتماعی در گروه‌های پژوهش

| متغیرها | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
|------------------------|---------------|------------|-----------------|------|---------------|----------|
| گروه (بهزیستی اجتماعی) | ۶۵۹۴۰۶/۲۲ | ۱ | ۶۵۹۴۰۶/۲۲ | ۱/۲۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۸ |
| خطا | ۱۶۳/۷۶ | ۶۸ | - | - | - | - |
| کل | ۶۷۰۵/۴۲ | ۷۰ | - | - | - | - |

بر اساس نتایج جدول ۸، نمرات متغیر بهزیستی اجتماعی ($F=1/21$ و $p=0/0001$) می‌باشد و نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش در متغیر بهزیستی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به عبارتی بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل شخصی از بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

جهت بررسی تفاوت ابعاد متغیر بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی از تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا) استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جداول ۹ و ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۹. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بر ابعاد بهزیستی اجتماعی در گروه‌های پژوهش

| نام آزمون | مقدار | F | درجه آزادی فرضیه | درجه آزادی خطا | سطح معنی‌داری |
|-------------------|--------|---------|------------------|----------------|---------------|
| اثر پیلایی | ۰/۹۸۱ | ۸۲۲/۶۹ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| لامبدای ویلکز | ۰/۰۱۹ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| اثر هوتلینگ | ۵۰/۶۲۸ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |
| بزرگترین ریشه روی | ۵۰/۶۲۸ | ۷۷۱۰/۲۸ | ۱ | ۶۸ | ۰/۰۰۰۱ |

مندرجات جدول ۹ نشان می‌دهد که بین گروه‌های پژوهش از نظر ابعاد بهزیستی اجتماعی در سطح $p < 0/05$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که حداقل در یکی از ابعاد بهزیستی اجتماعی بین گروه‌های پژوهش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. برای تشخیص اینکه در کدام یک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانووا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل واریانس یکراهه در متن مانووا بر ابعاد بهزیستی اجتماعی در گروه‌های

پژوهش

| متغیرها | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری | ضریب اتا |
|-----------------|---------------|------------|-----------------|------|---------------|----------|
| همبستگی اجتماعی | ۲۱۶۱۲/۸۵ | ۱ | ۲۱۶۱۲/۸۵ | ۱/۰۹ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۴ |
| انسجام اجتماعی | ۱۵۴۲۱/۷۲ | ۱ | ۱۵۴۲۱/۷۲ | ۲/۹۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۳ |
| پذیرش اجتماعی | ۳۵۱۰۸/۰۱ | ۱ | ۳۵۱۰۸/۰۱ | ۲/۵۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| شکوفایی اجتماعی | ۱۶۰۸۱/۷۲ | ۱ | ۱۶۰۸۱/۷۲ | ۰/۰۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۶ |
| مشارکت اجتماعی | ۵۱۳۰۰/۵ | ۱ | ۵۱۳۰۰/۵ | ۱/۲۹ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۸ |

بر اساس نتایج جدول ۱۰، بین گروه‌های پژوهش در پنج بُعد بهزیستی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p \leq 0/05$). به عبارتی ابعاد بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد و با توجه به میانگین آن‌ها (جدول ۱)، ساکنان منازل شخصی از بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند و در ابعاد همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و مشارکت اجتماعی هم به همین شکل است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه دلستگی مکان، واکنش روانی و بهزیستی اجتماعی در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت انجام شد. بر این اساس، نتایج پژوهش نشان داد که دلستگی مکان و ابعاد آن در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، ساکنان منازل شخصی در مقایسه با ساکنان منازل آپارتمانی از دلستگی مکان بالاتری برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) همسو است. نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) نشان داد که دلستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی افراد ساکن در منازل غیرسازمانی بالاتر از افراد ساکن در منازل سازمانی است.

در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که در فرآیند دلستگی به مکان است که فضا برای فرد مبدل به مکان می‌شود، چراکه یک گروه یا یک فرد در برقراری ارتباط به مکان، به آن معنا می‌بخشد (مک‌ایون^۱، ۲۰۱۴) و در این فرآیند افراد ارتباط خود با سایرین و مکان را توسعه می‌دهند. دلستگی مکان عبارت است از پیوندهای مثبت افراد با مکان‌ها که از پیوندهای عاطفی، رفتاری و شناختی میان افراد یا گروه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی - فیزیکی نشأت می‌گیرد. در

تعریفی از دلبستگی مکان به چهارچوب سه بُعدی فرد- فرآیند- مکان^۱ اشاره شده است. بُعد فردی دلبستگی مکان اشاره به معنای فردی یا جمعی آن دارد. بعد روان‌شناختی مشتمل بر مؤلفه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی است. بعد مکانی بر ویژگی‌های مکانی دلبستگی از جمله سطح فضایی، اختصاصی بودن و اولویت عناصر اجتماعی یا کالبدی تأکید دارد (اسکنل و گیفورد^۲، ۲۰۱۵). بنابراین، فردی که در منزل شخصی خود برای سال‌ها در محلی زندگی می‌کند، به دلیل برخوردارگی از سطح فضایی بالاتر در مقایسه با آپارتمان و اختصاصی بودن فضا و از طرف دیگر برقراری روابط عاطفی و اجتماعی قوی‌تر و پایدارتر در سطح محله با همسایگان خود از دلبستگی به مکان، هویت مکان، دلبستگی عاطفی، وابستگی مکان و پیوندهای عاطفی و اجتماعی قوی‌تری برخوردار است.

همچنین، نتایج نشان داد که واکنش روانی و ابعاد آن در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، ساکنان منازل آپارتمانی در مقایسه با ساکنان منازل شخصی از واکنش روانی بالاتری برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش فو، پادپلا- واکر و براون^۳ (۲۰۱۸) همسو است. نتایج پژوهش آن‌ها با هدف مقایسه واکنش روانی و کیفیت زندگی در ساکنان منازل آپارتمانی و شخصی در آمریکا نشان داد که ساکنان منازل شخصی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند. همچنین، واکنش روانی در ساکنان منازل آپارتمانی بالاتر بود.

در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که واکنش روانی حالت انگیزشی است که در پاسخ به آزادی رفتاری از دست‌رفته یا مورد تهدید قرار گرفته برانگیخته می‌شود و آن را احیا می‌کند. تهدیدها می‌توانند آشکارا یا تلویحی باشند (مثلاً، اشارات ضمنی ظریف). برم و برم (۱۹۸۱)، به نقل از فرزانه، (۱۳۹۶) تهدید آزادی عمل را با عنوان تهدید بیرونی و درونی توصیف می‌کنند. تهدیدهای بیرونی از تصمیماتی ناشی می‌شوند که ما با انتخاب کردن یا نکردن گزینه‌های پیش رو اتخاذ می‌کنیم. مفهوم اختیار تحت عنوان «باور فرد به توانایی انجام رفتاری خاص» تعریف شده است (فرزانه، ۱۳۹۶). همان‌طور که میران و برم^۴ (۲۰۰۶)، به نقل از زارعین، (۱۳۹۵) اشاره می‌کنند، واکنش روانی یک نیروی از پیش فعال شده نیست، بلکه هنگام تهدیدات واقعی یا خیالی از دست دادن آزادی عمل فعال می‌شود. با توجه به تعریف واکنش روانی، به نظر می‌رسد که فرد با زندگی در آپارتمان و تبعیت از اصول آپارتمان‌نشینی احساس می‌کند که آزادی عمل و اختیارش تهدید و سلب شده است و لذا در مقایسه با فرد ساکن در منزل شخصی که احساس آزادی عمل بیشتری می‌کند، واکنش‌های روانی بیشتری نشان می‌دهد.

به علاوه، نتایج پژوهش نشان داد که بهزیستی اجتماعی و ابعاد آن در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی تفاوت معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، ساکنان منازل شخصی در مقایسه با ساکنان

1. *person-process-place*
2. *Scannell & Gifford*
3. *Fu, Padilla-Walker & Brown*
4. *Miron & Brehm*

منازل آپارتمانی از بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) همسو است. نتایج پژوهش اکبری (۱۳۹۴) نشان داد که دل‌بستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی افراد ساکن در منازل غیرسازمانی بالاتر از افراد ساکن در منازل سازمانی است.

در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که بهزیستی اجتماعی به شرایط و عملکرد فرد در جامعه اشاره دارد. افراد برخوردار از درجات بالای بهزیستی اجتماعی معمولاً قادر به برقراری روابط با سایرین و حفظ آن روابط هستند. کیز (۱۹۹۸)، به نقل از نریمانی، یوسفی و کاظمی، (۱۳۹۲) بهزیستی اجتماعی را به‌عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آن‌ها با دیگران تعریف می‌کند. از ابتدا نیز بهزیستی اجتماعی به‌عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آن‌ها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد. به عقیده او، بهزیستی اجتماعی عبارت است از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در اجتماع. فرد سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهیم است. بنابراین، فرد ساکن در منزل شخصی به علت سکونت طولانی‌مدت در یک محله در مقایسه با فرد ساکن در آپارتمان که ممکن است مستأجر باشد و نقل مکان کند یا تعارضات شدیدی را با همسایگان خود در آپارتمان تجربه کند، از وحدت اجتماعی، تشریک‌مساعی و پیوندهای قوی‌تر اجتماعی برخوردار است و روابط پایداری را با همسایگان برقرار می‌کند و لذا از بهزیستی اجتماعی بالاتری برخوردار است.

این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است، از جمله اینکه جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی شهر رشت است و امکان تعمیم نتایج این پژوهش را به ساکنان سایر شهرهای کشور محدود می‌کند. به علاوه، شرایط جسمی و روانی ناشی از شیوع بیماری کرونا در افراد مورد پژوهش می‌تواند بر نحوه پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نتایج پژوهش تأثیر بگذارد که خارج از کنترل پژوهشگر بوده است. بر همین اساس لازم است که متغیرهای پژوهش حاضر بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله وضعیت اجتماعی-اقتصادی و وضعیت سکونت ساکنین نیز مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین لازم است در تحقیقات آتی عواملی نظیر کیفیت زندگی، کمال‌گرایی، تاب‌آوری و ... در ساکنان منازل شخصی و آپارتمانی مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که به مقایسه متغیرهای پژوهش حاضر در میان زنان و مردان و اجرای پژوهش‌های مشابه در سایر شهرهای ایران بپردازند. به منظور ارتقای میزان دل‌بستگی به مکان در مقیاس‌های متفاوت مکانی همچون واحدهای همسایگی، محلات و مراکز شهری، لازم است برنامه‌ریزان و طراحان شهری، ایجاد فضاهایی که هویت، دل‌بستگی عاطفی، وابستگی و پیوندهای اجتماعی را رشد دهد، مورد توجه قرار دهند. همچنین لازم است زمینه ایجاد

واکنش‌های مثبت روانی و همبستگی، انسجام، پذیرش، شکوفایی و مشارکت اجتماعی در بین ساکنین محلات مسکونی فراهم گردد.

منابع

- اکبری، مریم. (۱۳۹۴). مقایسه دل‌بستگی مکان، سازگاری زناشویی و سلامت اجتماعی همسران شاغل شرکت نفت استان خوزستان ساکن در منازل سازمانی و غیرسازمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- بیات، مریم. (۱۳۸۶). بررسی سازگاری اجتماعی و سلامت روان نوجوانان دختر و پسر با توجه به محل سکونت شهر کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت.
- پورجعفر، محمدرضا، ایزدی، محمدسعید و خبیری، سمانه. (۱۳۹۲). دل‌بستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها. نشریه هویت شهر، ۲۴، ۶۴-۴۳.
- حبیبی، داود، و مرزبان، میثم. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان رضایت‌مندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی. نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی محله پانصد دستگاه شهر دوگنبدان (گچساران). شباک، ۲، ۶۸-۵۷.
- حیدری، علی اکبر، مطلبی، قاسم و مرادیان، سلمان. (۱۳۹۷). بررسی میزان دل‌بستگی به مکان نسبت به سه مقیاس خانه، محله و شهر (نمونه موردی شهر شیراز). نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۳، ۱۰۶-۹۵.
- حیدری، علی اکبر، مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۹، ۸۶-۷۵.
- حیدری، غلامحسین و غنایی، زیبا. (۱۳۸۷). هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی. اندیشه و رفتار، ۷، ۴۰-۳۱.
- خاک‌زند، مهدی و بقالبیان، آلاله. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه‌باز مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲). نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۱، ۲۸-۱۹.
- دانشپور، سیدعبداله‌ادی، سپهری مقدم، منصور و چرخیان، مریم. (۱۳۸۸). تبیین مدل "دل‌بستگی به مکان" و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۳۸، ۴۸-۳۷.
- دلاور، علی، و کوشکی، شیرین. (۱۳۹۲). روش تحقیق آمیخته. تهران: انتشارات ویرایش.

- رحیمی، لیلا، رفیعیان، مجتبی و باقری، محمد. (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه‌های دلبستگی به مکان در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن؛ نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۷، ۲۳۶-۲۲۵.
- زارعین، نگین. (۱۳۹۵). مقایسه بهزیستی روان‌شناختی، واکنش روانی و شادکامی در بیماران سرطانی و افراد سالم شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- زمانی، راحله. (۱۳۹۵). مقایسه واکنش روانی، پرخاشگری و سلامت روانی در زنان مطلقه و عادی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- سجاذزاده، حسن، شریفی، عادل، اسدی، محمدعلی و شریفی، ندا (۱۳۸۸). دلبستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی (نمونه موردی: محله حاجی همدان). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۲، ۱۵۲-۱۳۹.
- سرمست، بهرام و متوسلی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران). نشریه مدیریت شهری، ۲۶، ۱۴۶-۱۳۳.
- صادقی فرشته، رویا، دانشگرمقدم، گلرخ و دژدار، امید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دلبستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان). نشریه مدیریت شهری، ۳۰، ۲۶۴-۲۵۳.
- صبوری، سعید. (۱۳۹۱). بررسی میزان سلامت اجتماعی در میان کارمندان آموزش و پرورش منطقه یازده شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۰). اعتباریابی مقیاس دلبستگی مکان. طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۰). تأثیر محیط‌های مسکونی مختلف (خانه‌های ویلایی و انواع آپارتمان) بر سلامت روان، شادکامی و بهزیستی شخصی دختران نوجوان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱، ۷۴-۶۰.
- صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۴). بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس واکنش روانی در جمعیت ایرانی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۸، ۱۱۲-۹۹.
- صفاری‌نیا، مجید، بیات، شهره، و نورمحمدی، احمد. (۱۳۹۶). مقایسه شخصیت جامعه‌پسند، واکنش روانی، حمایت اجتماعی ادراک شده و سبک‌های دفاعی والدین کودکان معلول جسمی- حرکتی و کودکان سالم شهر اصفهان. کودکان استثنایی، ۱۷، ۲۶-۱۵.
- صفاری‌نیا، مجید، تدریس تبریزی، معصومه و علی‌اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۹۳). رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن شهر تهران. اندازه‌گیری تربیتی، ۱۸، ۱۳۲-۱۱۵.

- عظیمی، نیاز و دباغ، امیرمسعود. (۱۳۹۴). بازتاب مفاهیم ایرانی در طراحی مجتمع مسکونی امروز. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، مؤسسه مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلیا، انجمن اقتصاد و انرژی.
- فرزانه، آزاده. (۱۳۹۶). پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی بر اساس شخصیت جامعه‌پسند و واکنش روانی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- کاملی، محسن، و حسینی، سیدباقر. (۱۳۹۸). مدل‌یابی ساختاری نظم محیط، حس تعلق و دل‌بستگی به مکان با میزان سطح امنیت. شهر ایمن، ۲، ۱۲-۱.
- موسوی، سمیه. (۱۳۹۲). رابطه رضایت زناشویی با شکایات روان‌تنی و بهزیستی روان‌شناختی در دبیران شهرستان شهرکرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- نریمانی، محمد، یوسفی، فاطمه، و کاظمی، رضا. (۱۳۹۲). نقش سبک‌های دل‌بستگی و کیفیت زندگی در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری. ناتوانی‌های یادگیری، ۴، ۱۴۲-۱۲۴.
- والیانی‌کیا، اکبر. (۱۳۹۴). اثربخشی هیپنوتراپی شناختی بر کاهش وزن و بهزیستی روان‌شناختی خانم‌های ۲۰ تا ۴۵ ساله چاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.

- *Brehm, J.W. (1966). A Theory of psychological reactance. New York: Academic Press.*
- *Brown, B.B., Altman, I., & Werner, C.M. (2012). Place attachment. International Encyclopedia of Housing and Home, 12, 183-188.*
- *Brown, A.R., Finney, S.J., & France, M.K. (2010). Using the bi-factor model to assess the dimensionality of the Hong psychological reactance scale. Educational and Psychological Measurement, 24, 345-356.*
- *Burgoon, M., Alvaro, E., Grandpre, J., & Voulodakis, M. (2012). Revisiting the theory of psychological reactance: Communicating threats to attitudinal freedom. Thousand Oaks, CA: Sage.*
- *Butterworth, I. (2000). The relationship between the built environment and well-being: A literature review, Educational and Psychological Measurement, 1-35.*
- *Cohen, D.E., Brooks-Gunn, J., Leventhal, T., & Hertzman, C. (2002). Neighborhood income and physical and social disorder in Canada: Associations with young children's competencies. Child Development, 73, 1844-1860.*
- *Faber Taylor, A., & Kuo, M. (2009). Children with attention deficits concentrate better after walk in the park. Journal of Attention Disorders, 12, 402-409.*
- *Fu, X., Padilla-Walker, L.M., & Brown, M.N. (2018). Comparison of psychological reactance and quality of life in residents of private homes and apartments. Journal of Environmental Psychology, 57, 90-98.*

- Gifford, R. (2007). *Environmental psychology and sustainable development: Expansion, maturation, and challenges*. *Social Issues*, 63, 199-212.
- Hoi Shan, S.C., Annie, T., Yee Sian, C., Hawkins, R., Lee Ka But, A., & Shiu, M. (2008). *Children's social and emotional well-being in Singapore*. *Research Monograph*, 7, 22-30.
- Hong, S.M., & Faedda, S. (1996). *Refinement of the Hong psychological reactance scale*. *Educational and Psychological Measurement*, 56, 173-182.
- Jonason, P.K., & Knowles, H.M. (2006). *A uni-dimensional measure of Hong's psychological reactance scale*. *Psychological Reports*, 98, 569-579.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2001). *Sense of place as an attitude: Lakeshore owner's attitudes toward their properties*. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
- Keyes, C.L.M. (1998). *Social well-being*. *Social Psychology Quarterly*, 61, 121-140.
- Kim, S.Y., Levine, T.R., & Allen, M. (2013). *Comparing separate process and intertwined models for reactance*. *Communication Studies*, 64, 273-295.
- Kim, S.Y., Levine, T.R., & Allen, M. (2014). *The intertwined model of reactance for resistance and persuasive boomerang*. *Communication Research*, 50, 356-365.
- Kyle, G.T., Mowen, A.J., & Tarrant, M. (2004). *Linking place preferences with place meaning: An examination of the relationship between place motivation and place attachment*. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 439-454.
- Lewicka, M. (2009). *What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment*. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 35-51.
- Low, S.M., & Altman, I. (1992). *Place attachment: A conceptual inquiry*. *Human Behavior & Environment: Advances in Theory & Research*, 12, 1-12.
- McEwen, J.W. (2014). *Sense of place, place attachment, and rootedness in Four West Baton Rouge Parish, Louisiana Bars*. Florida State University.
- Ng, E., & Fisher, A.T. (2019). *Understanding well-being in multi-levels: A review*. *Health, Culture and Society*, 5, 308-323.
- Rains, S.A. (2013). *The nature of psychological reactance revisited: A meta-analytic review*. *Human Communication Research*, 39, 47-73.
- Ramkissoon, H., Liam D.G., & Weiler, B. (2013). *Relationships between place attachment, place satisfaction and pro-environmental behavior in an Australian national park*. *Journal of Sustainable Tourism*, 21, 434- 457.
- Rollero, C., & De Piccoli, N. (2010). *Does place attachment affect social well-being?* *European Review of Applied Psychology*, 60, 233-238.
- Saffarinia, M., Tavakkoli, S., & Alipor, A. (2012). *Effects of environmental design inspired by nature on psychological and physiological responses of*

- clients in medical spaces. International Journal of Environmental Research, 6, 689-694.*
- Scannell, L., & Gifford, R. (2015). *The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior. Journal of Environmental Psychology, 30, 289-297.*
 - Scannell, L., & Gifford, R. (2020). *Psychology of place attachment. Journal of Environmental Psychology, 35, 322-335.*
 - Shamai, S. (1991). *Sense of place: an empirical measurement, Israe1, geoforum, 22, 347-358.*
 - Shen, L., & Dillard, J.P. (2015). *Psychometric properties of the Hong psychological reactance scale. Journal of Personality Assessment, 85, 74-81.*
 - Sirigatti, S., Penzo, I., Giannetti, E., Casale, S., & Stefanile, C. (2016). *Relationships between psychological reactance and psychological well-being. Personality and Individual Differences, 90, 219-224.*
 - Smith, G.D., & Yang, F. (2019). *Relationship of personality characteristics, resilience and psychological reactance with social well-being in Chinese women and men. Nurse Education Today, 49, 90-95.*
 - Stedman, R.C. (2003). *Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of place. Society and Natural Resources, 16, 671-685.*
 - Tyson, G., Lambert, G., & Beattie, L. (2002). *The impact of ward design on the behaviour, occupational satisfaction and well-being of psychiatric nurses. International Journal of Mental Health Nursing, 11, 94-102.*
 - Varava, K.A., & Quick, B.L. (2015). *Adolescents and movie ratings: Is psychological reactance a theoretical explanation for the forbidden fruit effect? Journal of Broadcasting and Electronic Media, 59, 149-168.*
 - Velarde, M.D., Fry, G., & Tveit, M. (2007). *Health effects of viewing landscapes- landscape types in environmental psychology. Urban Forest and Urban Greening, 21, 199-212.*